



ماموریت غیر ممکن

گمانه زنی درباره تأثیر **علی لاریجانی** بر مذاکرات ایران و غرب
در گفت و گو با نصرت الله تاجیک و جاوید قربان اوغلی



رگولاتور تمامیت خواه

فعالان اقتصاد دیجیتال معتقدند بانک مرکزی می خواهد
به تنهایی، قانون گذار، مجری، ناظر و قاضی اکوسیستم باشد



تشدید احساس هیچ کس بودن

روایت **فاطمه علمدار** جامعه شناس
از زخم های پنهان جنگ ۱۲ روزه



بخش اقتصاد
۳

رونمایی از محصولات دیجیتال و نوآرانه بانک ملی

تأکید معاون اجرایی رئیس جمهور بر تخصیص اعتبارات بانکی بر اساس عدالت منطقه ای

بررسی حملات اصولگرایان به پیشنهاد های میانه رو - اوچهار روایت از واکنش ها به بیانیه جبهه اصلاحات

هراسی تندروها از تغییر



مهدی معتمدی مهر

دلیل اینکه چرا بعد از بیانیه جبهه اصلاحات حمله ها شروع شد کاملاً واضح است زیرا این بیانیه خیلی صریح، شجاعانه و مسئولانه صادر شده و بارادایم شیفت را به عنوان امری ضروری و محتوم اعلام کرده است. طبیعتاً افراد و جریانی که از وضع موجود بهره می برند یا این بیانیه مخالفت کرده و می کنند، اما مخالفت با این بیانیه، ریشه بلندمدت و زیربنایی تری هم دارد. بخشی از مخالفان این بیانیه، جریان محافظه کاری هستند که از دوم خرداد به بعد، با مواضع اصلاح طلبانه مخالفتش را ابراز می کرد. ولی بخش دیگری از این مخالفت، توسط جریان اعلام می شود که در گذشته متعلق به جریان اصلاحات بودند و حتی در جبهه اصلاحات حضور داشته و یا هنوز هم حضور دارند. این جریان در سال ۱۴۰۰، بنابر مبنای نظری و نوعی عملکردی سیاسی رویکردی از اصلاحات را ارائه می دهند.



حمیدرضا جلالی پور

حملات دو نیروی تندرو در صحنه سیاسی که همیشه بوده و حالا هم بیشتر شده. این دوی نیروی تندرو (خالص گرایان تندرو در داخل و زیر عنوان دولت سایه و سرنگونی طلبان سنگر گرفته در رسانه های ماهواره ای) در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی زیر فشار جنگ دشمن خبیث اسرائیلی هست، بیشتر تلاش منفی و مخرب می کنند و این چیز روشنی است. نویسندگان بیانیه باید متوجه پیامد کارشان می بودند. خالص گرایان تندرو که یک سال است از قدرت محروم شده اند از انتشار این بیانیه استفاده می کنند و به حاکمیت می گویند اگر ما نایبیم هستند عده ای که دنبال کشیدن فرش از زیر پای حکومت هستند. سرنگونی طلبان خارج نشین هم می گویند مردم، مافقط دنبال سرنگونی نیستیم و عده ای هم در داخل کشور از این سیستم سیاسی عبور کرده اند. این تبلیغات به نفع جنگ روانی دشمن اسرائیلی است.



عباس موسایی

گویی تندروهای داخلی در فضایی خیالین سیر می کنند. اینها بدون التفات به پیامدهای تشدید منازعه و استمرار تحریم ها و بازسازی اجماعی جدید در عرصه بین المللی علیه کشور، با هر گونه عادی سازی مخالفت؛ چنانکه گویی عادی سازی با ماهیت وجودی شان در تضاد و تناقض است و برای موجودیت ایشان بنیان برافکن است. اینان در ضدیت با مذاکره و گشایش به شکلی اساسی و حیرت انگیز با مخالفان جمهوری اسلامی و راست های افراطی حاکم بر رژیم صهیونیستی، شباهت دارند.



عباس عبدی

یک بیانیه که منتشر و یک موضع که گرفته می شود، نمی توان به دیگران گفت که چیزی نگویند. کیهان هم همینطور است. ولی اینکه گفته قصد کودتا دارند، چطور می توان کودتا کرد؟ یا اینکه می گویند چرا از تغییر پارادایم حرف زده می شود. خوب تغییر ندهید، همین راه را بروید تا مملکت را به فاجعه بکشانید. یک حزب یا گروه سیاسی، نظرش را گفته است. آن حزب یا گروه اگر در بین مردم پایگاه دارد، آن نظر در بین مردم نفوذ پیدا می کند، اگر هم ندارند که اصلاً چه باکی از نظر دادن آن گروه دارید؟ وقتی که در جامعه اثری نمی گذارد. که تندروها که در این سال ها، به خصوص با عملکرد دولت قبل و نتایج فاجعه بار راهبردهای گذشته خیلی تضعیف شده اند، سعی کرده اند فرصتی را گیر بیاورند و خودشان را در عرصه عمومی و با حمله به دیگران بازسازی کنند.



چاقوی بدون دسته

هر قدرت حکومتی دو لایه نرم افزاری و سخت افزاری یا سازمانی دارد. لایه نرم افزاری همان حس مقبولیت و مشروعیتی است که مردم برای حکومت و ساختار قدرت، قائل هستند و حمایتی که از برنامه ها و سیاست های آن می کنند. در واقع، قدرت حکومت در دفاع نظری از خودش و برنامه ها و سیاست هایش و اقیان مردم جزء اصلی لایه نرم افزاری قدرت آن است. در مقابل، تسلط بر نهادهای رسمی مثل مجلس، دستگاه قضایی و سازمان های نظامی و انتظامی و امنیتی و بانکی نیز لایه سخت افزاری قدرت محسوب می شوند. اغلب قدری شکاف میان این دو لایه وجود دارد؛ ولی گستردگی شکاف موجب ناپایداری سیاسی می شود. این شکاف در ایران زیاد بوده و هست؛ ولی پس از جنگ اخیر تشدید شده است. در واقع، تندروهایی که خود را هسته سخت نظام و پرچمدار گفتار رسمی می دانستند، در ۱۵ ماه اخیر مسیر اضمحلال را طی می کردند و هیچ حرف درست و حسابی برای اقیان حتی طرفداران منفعل خود نداشتند. طرفدارانی که به شدت سرخورده و ناامید هستند و احساس می کنند که فریب خورده اند. وعده های آخر الزماتی داده شده به آنها نه غلط بلکه دروغ و توخالی از آب درآمد. به همین دلیل، اتفاق نظر هست که باید از این وضع عبور کرد و طرحی نو در انداخت. این رویکرد به مذاق تندروهای بی منطق خوش نمی آید. آنان نه می توانند از راهبرد منتهی به شکست خود دفاع کنند و نه قادرند که راهبرد منطقی و معقولی را اتخاذ کنند. دنبال گذشت زمان هستند، بلکه فرجی حاصل شود. این وضعیت موجب شده که آنان لایه نرم افزاری قدرت را به کلی از دست بدهند. لذا فقط متکی به سخت افزار شده اند. سخت افزار قدرت مثل چاقویی است که دسته ندارد. هر چقدر هم تیز باشد، دست صاحبش را هم بیشتر می بزد. قدرت نرم افزاری هم مثل دسته ای است که تیغه ندارد. اکنون میان این دو لایه قدرت فاصله زیادی است. منتقدان قدرت نرم افزاری را در اختیار دارند. تندروها نیز بخش هایی از قدرت سخت افزاری را مهار می کنند و در میدان عمل هیچ ایده و طرح روشنی ندارند. نه قدرت دفاع از گذشته و شعارهای آن را دارند و نه جرأت و شهامت با گذاشتن در مسیر جدیدی که خبر و صلاح مردم و کشور را تأمین کند. مترصد این هستند که ببینند دیگران چه می گویند تا با اتکا به سخت افزار قدرت خود به او حمله و تهدید کنند و رطب و یابس ببافند؛ در حالیکه هنوز چاقویشان دسته ای ندارد، تازه از بُرندگی آن هم کاسته شده است. متأسفانه بدترین ایراد بیانیه ای که به نام جبهه اصلاحات منتشر شد، این بود که تندروهای به حاشیه رفته را دوباره در مقام طلبکار و مدعی به میدان آورد. کسانی که به لایه های کوچک خود خزیده بودند، اکنون با پوشیدن پوست شیر و با غرش هُل مُن مبارز می طلبند و با هر نقدی که راهبرد شکست را به پرسش بکشند، مخالفت می کنند.

ناامید از پیروزی، نامطمئن به صلح

مردم اوکراین چگونه درباره مذاکره یا ادامه جنگ فکر می کنند؟



در انتظار پوتین

بررسی نشست مشترک سران اروپایی با ترامپ و زلنسکی
و هشدارهایی که درباره سرنوشت جنگ اوکراین به روسیه دادند

گزارش
بین الملل
۲۳.۸.۹

عکس: Gettyimages